

ح « ساخته نمی شد!



اصلاحش کنیم و اگر می‌خواستیم بابت این توقیف ناامید شویم هرگز «تاراج» ساخته نمی‌شد.

در «تاراج» هم بازی کردید...

در فیلمنامه فیلم «تاراج» نقشی با عنوان عکاس - خبرنگار وجود نداشت. روزی دفتر ایرج قادری بودم که برای انتخاب بازیگر مشغول بررسی شرایط موجود بود. با مشاوره من آقای توبه‌خواه شد تهیه‌کننده فیلم که اسم اولش «چنبره خاک» بود. در آن زمان مشاور وزیر نفت بودم و مدام در بحث سوخت به پنجوین عراق در رفت و آمد بودم. قادری همان موقع گفت در فیلمنامه نقشی اضافه شده که مثل راوی می‌ماند و در تمام فیلم حضور دارد و مناسب برای بازی تو است. فرمایش رفتیم آرایشگاهی و گریم چهره‌ام شکل گرفت.

ایرج قادری بازی‌های خوبی از بازیگرانش می‌گرفت؟

قادری یک مهندس و خلاق بود و خوب صحنه را می‌چید، فضای خوبی در اختیار بازیگرانش قرار می‌داد و موقع کار، مراقب همه چیز و راحت بودن بازیگران بود.

قادری در بازی و حتی زندگی عادی هم فیگورهای خاص خودش را داشت؟

استفاده از فیگور به بازی قادری می‌نشست و کاملش می‌کرد. بعد از فیلم «تاراج» فاصله زیادی تا همکاری بعدی شما با قادری در دهه ۸۰ شکل گرفت؟

بلافاصله بعد از اتمام «تاراج» قرار بود قادری فیلم «قصر یخی» را با همان تیم بسازد. اما با ممنوع‌الکاری قادری همه چیز به هم خورد. البته پیشنهاد بازی زیاد داشتیم.

به چه دلیل قبول نکردید؟

درگیر کارم در حوزه اسکله‌سازی و حضور در جبهه بودم و به عنوان مثال پیشنهاد بازی در فیلم‌هایی مثل «سرب» (در آن نقشی که امین تارخ بازی کرد) را نتوانستم قبول کنم. حتی بازی در فیلم پرمخاطب «بگذار زندگی کنم» را به همین دلیل از دست دادم.

آیا الان از رد این پیشنهادات پشیمان نیستید؟

الان نه... البته موقعی که «سرب» در جشنواره نمایش داده شد من در قشم بودم و از تهران فهمیدم که چه نقشی را از دست دادم و گریه‌ام گرفت.

بعد از مدت‌ها دوری از بازیگری تلویزیون در سریال «یاور» بازی کردید.

سعید سلطانی و سعید مطلبی بازی در «ستایش» را به من پیشنهاد دادند و درگیر کار بودم و نتوانستم بازی کنم. دوباره برای سریال «یاور» مطلبی گفت که بیا و در این سریال حضور داشته باش.

سریال یاور به اندازه «ستایش» موفقیت آمیز نبود؟

دوستان تلویزیون اصرار داشتند که «یاور» ادامه دهنده «ستایش» باشد. اما سعید مطلبی چنین عقیده‌ای نداشت و به نظرم اگر انرژی مثبت و حمایت بیشتری از سوی تلویزیون و مدیر شبکه انجام می‌شد «یاور» می‌توانست موفق‌تر و ماحصل کار بهتر از این شود. حالا هم مدیران تلویزیون فکر می‌کنند که فقط خودشان هنر و سریال‌سازی را می‌شناسند و باید تشخیص بدهند که چه کسی سریال بسازد و چه کسی نسازد.

«در دسر شیرین» که نوروز ۱۴۰۰ از تلویزیون پخش شد آخرین تجربه بازی تان در تلویزیون تا زمان حال است و سریالی که در عید پخش شد و چندان نتوانست موفق باشد...

این میزان موفقیت را با چه متر و ملاکی قیاس می‌کنید؟ در مقایسه با سریال‌های نوروزی سال‌های قبل تلویزیون مثل «نون‌خ» و «پایتخت».

خب کیفیت این سریال‌ها با «در دسر شیرین» متفاوت است. برای ساخت یک سریال محبوب برای مخاطب از جای ریز تا کارگردان باید با هم همدل باشند. یک سری آدم توی اتاق‌های‌شان در تلویزیون نشسته‌اند و تصمیم می‌گیرند که برای مردم چه سریالی ساخته شود. در حالی که باید کارشناس خیره و جامعه‌شناس در این خصوص تشخیص بدهد. تلویزیون باید برای تکرار موفقیت‌هایش به سراغ امتحان پس داده‌ها برود.

و یک سؤال غیر سینمایی، در بحث اسکله‌سازی و سایر کارهای دریایی چگونه ورود پیدا کردید؟!

روزی پیش محمد علی فردین بودم و به من توصیه کرد که روی شغل سینما حساب نکنم و شغل دیگری برای امرار معاش داشته باشم و احمد مسعودی که پوستر فیلم‌ها را نقاشی می‌کرد طرحی درباره حصر آبادان و مقابله با لجن داشت و به خوبی از پس این کار برآمد و در کنارش در این حوزه فعالیت کردم. رشته من هم عمران بود و با تعطیلی دانشگاه‌ها به دلیل انقلاب فرهنگی به تدریج جذب این حرفه شدم. مدت‌ها مشاور آقای مهندس غرضی در وزارت نفت و مدیر پروژه صنعت نفت در بحث اسکله‌سازی بودم.

در بار پهلوی گل است و بعد تعمیمش بدهیم به معتاد شدن مردم در محلات پایین شهر و او کمی فکر کرد و فرج (حیدری) صدا زد و گفت «فردا با تو کلی دوربین را بر می‌داری و می‌روی پایین شهر و اینهایی که گفته فیلمبرداری می‌کنی» و بعد از این تصاویر در فیلم «پنجمین سوار سرنوشت» استفاده شد. تلاش کردم از هر همکاری که با بزرگان در سینما داشته‌ام، تجربه‌ای به دست بیاورم. مطلبی بعدا گفت «این جوان (یعنی من) در آینده می‌تواند کارگردان خوبی بشود. به نوعی من اولین طراح و اجراکننده کلیپ در سینما بودم.

در فیلم «عبور از میدان مین» هم حضور داشتید؟

روزی در خیابان شعاری از فرمایشات امام خمینی (ره) با این مضمون که «تعهد بدون تخصص و تخصص بدون تعهد به درد نمی‌خورد» رو به رو شدم. رفتم دفتر شیراز فیلم که در کنار هاشم سبوحی فعالیت می‌کردم، این شعار را مطرح کردم و گفتم یک ایده دارم با این مضمون «یک بسیجی ترمز بریده و یک افسر با دسیپلین و تقابل‌شان در جنگ». این شد ایده اصلی فیلم «عبور از میدان مین» و من مدیر تولید فیلم شدم. البته زحمات عباس شباویز در این فیلم را نمی‌توانم کنتمان کرد.

به نظر می‌رسد فیلم «تاراج»، ادامه «پنجمین سوار سرنوشت» در بحث توزیع سازمانی مواد مخدر توسط دربار در جامعه بود؟

«پنجمین سوار سرنوشت» یک شروع بود و سعید مطلبی، ایرج قادری و فرج حیدری ستون‌های فیلم بعدی یعنی همین «تاراج» بودند. نقل است که آقای خامنه‌ای در آن زمان فیلم «پنجمین سوار سرنوشت» را دیده و آن را پسندیده بودند. حتی این را در مهمانی شامی که برای اکران خصوصی فیلم تدارک دیده بودند، ابراز کرده بودند. دوستان وزارت ارشاد، هیچ‌گاه دلائل توقیف فیلم را به ما نگفتند که

این حرف نشان می‌دهد که ما جلوی کار تعدادی را گرفتیم تا تعداد دیگری رشد و فعالیت کنند که به نظرم حرف اشتباهی است. خود من تمام آموخته‌هایم را از قدیمی‌ها فرا گرفتم. یاد می‌آید موقعی که «جاره نشین‌ها» آماده نمایش شد و سر خرید فیلم موقعی که در شیراز فیلم بودم، عده‌ای می‌گفتند این فیلم فروش زیادی نخواهد داشت، زیرا صدابرداری سر صحنه دارد و از دوبله خبری نیست. البته فیلم را هارون یشایایی خرید و به مهرجویی اعتماد کرد و جواب اعتمادش را هم گرفت. من هم ادعان دارم در دهه هفتاد و بعدش استعدادهای درجه یکی مثل پرویز پرستویی و نوید محمدزاده وارد چرخه بازیگری شدند. من مخالف ورود نسل جوان نیستم و فقط معتقدم باید توجه و احترام بزرگان و قدیمی‌ها را داشت.

برگردیم به «پنجمین سوار سرنوشت». چه دلائلی باعث شد که این فیلم در اکران دچار مشکل شود؟

دوستان مورد بحث که اشاره کردم، این نقد را مطرح می‌کردند که چرا ایرج قادری در فیلم تسبیح به دست دارد و دوست نداشتند ایرج قادری دوباره در سینما بازی کند و خرده می‌گرفتند شما دوباره ایرج قادری را مطرح کرده‌اید!

حتما بهانه‌شان هم همان فیلم «موسر خه» معروف بود؟

بله، اما نمی‌دانستند این فیلم مال آن دوران بود و نباید شخص را در زمان حال با آن شرایط قضاوت و نقد کرد. تمام فیلم‌های ایرج قادری مثل کوچه مردها، پشت و خنجر و... فضای مردانه‌ای داشت و دوستان به این مسئله بی‌توجه بودند. انسان منصف باید هم خوب و هم بد دیگران را ببیند و بعد قضاوت کند.

سعید مطلبی در آن دوران چه واکنش‌هایی داشت؟

سر فیلم «پنجمین سوار سرنوشت» به سعید مطلبی گفتم که با شیوه نویی به سمت مواد مخدر برویم و نشان بدهیم آب سر چشمه از